



ما همیشه ایم و باکی نداریم ز شکست... نداریم ز شکست

اشاره

از آخرین باری که او را دیدم، نزدیک به هفت سال می گذرد؛ زمان برگزاری دومین المپیاد ورزشی دانش آموزان کشورهای اسلامی بود که در تابستان ۱۳۷۲ در تبریز برگزار شد. نسبت به آن سال کمی پیرتر و خطوط تجربه بر پیشانی او مشهودتر از قبل شده بود، ولی شادابی و عشق به کار هم چنان در چهره مصمم او موج می زد. کسی که با بیش از ۳۵ سال تجربه گرانقدر خویش دعوت ما را پذیرفت ناصر پایگذار مربی ورزش سالیان دور و نزدیک مدارس تبریز است. وی در مدت خدمت خود در آموزش و پرورش، تنها سه مدرسه تعویض کرده و حالا در دفتر مجله رشد آموزش تربیت بدنی حضور یافته است تا در اولین گفت و گوی این مجله نوبت شرکت کند. مطالب زیر نتیجه این گفت و گو و گویای تجربه های ارزشمند این مربی زحمتکش و سرد و گرم چشیده ورزش استان آذربایجان شرقی است.

صحیح است. در ورزش والیبال گذشتن پای بازیکنان از روی خط و دست از روی تور، هنگام حمله خطاست. پس تجاوز به حقوق دیگران خطاست. این جزء درس ورزش است که متأسفانه معلمان ورزش ما از آن آگاهی کافی ندارند. اگر این مسایل و نکته های ظریف به بچه ها خوب تفهیم شود، به طور کلی تجاوز به حقوق دیگران در جامعه حل خواهد شد.

هر گونه نارسایی در جامعه به دلیل نبودن اجرای صحیح درس تربیت بدنی در مدارس است. در تیم ورزشی لباس یک رنگ می پوشیم، در جامعه باید همه یک رنگ باشیم، با سوت داور خیردار می ایستیم و انتخابات انجمن های ورزشی را در مدرسه انجام می دهیم. اگر بچه به انتخاب کردن و انتخاب شدن آشنا شود مشکلی در انتخابات نخواهیم داشت. همه قوانین انسانی موجود در جامعه در یک ساعت درس تربیت بدنی گنجانده شده است.

پایگذار به این قسمت از سخنان خود که رسید آهی کشید و گفت: «متأسفانه به جهت استفاده نکردن از نیروهای متخصص در این بخش و حضور افراد غیر متعهد، این درس از رسالت های تربیتی و محتوایی خود دور شده است و بهتر است که درس ورزش حذف شود تا این که به این صورت به اجرا درآید. و این ایراد بزرگ، به نظام آموزشی وارد است و بی اطلاعی برخی از مدیران، به کاربردی بودن درس ورزش، آن را عملاً به درسی بی محتوا تبدیل کرده است.»

وی با اشاره به این که معلم ورزش مسؤول سلامت جسم و روح دانش آموز است، گفت: «تدریس تربیت بدنی در بالا بردن قدرت یادگیری و ضریب هوشی دانش آموزان بسیار مؤثرتر است ولی در حال حاضر برعکس است و حتی عاملی منفی در یادگیری تلقی می شود. یک تحقیق علمی در کشور آلمان بیانگر این نکته است که دانش آموزانی که از وجود معلم ورزش متخصص بهره مند بوده اند، هنگام کسب مدرک تحصیلی بسیار موفق تر از کسانی بودند که معلم ورزش نداشته اند و مدارج را بهتر طی نموده اند؛ اما در کشور ما حتی نظارت صحیحی برای اجرای این درس وجود ندارد.»

پایگذار در پاسخ به این سؤال که گذشته، حال و آینده ورزش مدارس را چگونه ارزیابی می کنید بیان داشتند: «اگر بخواهیم به گذشته برگردیم خوب است یادی از دکتر حسین بنایی بکنیم که خدمات ایشان به جامعه ورزش کشور قابل وصف نیست، دکتر بنایی با کمترین امکانات، مناسب ترین بستر را برای اجرای این

با همان صمیمیت همیشگی، در ابتدا خود را چنین معرفی می کند: ناصر پایگذار هستم، ۵۴ سال سن و دو فرزند پسر دارم. رشته تخصصی ام ژیمناستیک است. درجه مربیگری بین المللی، در این رشته را از کشور فرانسه اخذ کرده ام. در سال ۱۳۵۴ هنگام برگزاری بازی های آسیایی تهران، سرداور در قسمت بارفیکس بودم. در سال ۱۳۴۱ فارغ التحصیل شدم و به دلیل کم بودن مربی ورزش در شهرستان تبریز، معلم ورزش شدم. در حال حاضر مسؤول کمیته ارزشیابی فدراسیون ژیمناستیک هستم، همچنین مدت ۳۰ سال ریاست هیأت ژیمناستیک تبریز را عهده دار بوده و کمیته اسکی استان را راه اندازی کردم.

وی در رابطه با روش تدریس درس تربیت بدنی در مدارس آذربایجان شرقی می گوید: «تدریس به نحو خوبی انجام نمی شود و با استانداردهای لازم فاصله دارد و جای بسیار تأسف است. در واقع این همه سرمایه گذاری که در بخش آموزش و پرورش می شود به هدر می رود!»

پایگذار معتقد است: «اگر محتوای درس تربیت بدنی به شکلی مطلوب و شایسته تدوین شود ۹۸ درصد مشکلات موجود در سطح آموزش و پرورش حل خواهد شد، زیرا همه چیز در دو ساعت درس تربیت بدنی منظور شده است.»

وی در ادامه این بحث می افزاید: «هر گونه نارسایی در کشور، خصوصاً در بخش ورزش، به دلیل نداشتن قوانین

این شماره: ناصر پایگذار



وی در مقایسه معلمان ورزش در سابق و حال می گوید: «زمانی که معلم ورزش بودم، برای کلیه رشته ها مسابقه برگزار می کردیم و اگر آن تیم ها را الآن در مسابقات شرکت دهیم مطمئناً قهرمان کشور خواهند شد. زمین های ورزشی خط کشی می شد، تورهای والیبال و بسکتبال همیشه مرتب و منظم بود، گروه بندی داشتیم و هرکاری برای خود مسؤلی داشت، ازهر کلاس نماینده دانش آموزان انتخاب می شد. همچنین اولیاء و

مربیان نماینده انتخاب می کردند و بدین شکل انجمن ورزشی تشکیل می شد که تمام تصمیم ها در این انجمن گرفته می شد و ما مجری برنامه های این شورا بودیم و برای این کارها وجهی دریافت نمی کردیم. با توجه به کمبود امکانات در گذشته، تربیت بدنی نسبت به حال خیلی بهتر بود.

تربیت بدنی در کارهای پرورشی و وزارتخانه خوب عمل نکرده است، زیرا هنوز کار معلمان تربیت بدنی خوب تعریف نشده است. از نیروها و کمک های مردمی در آموزش و پرورش استفاده نمی شود در حالی که برای رفع کمبود وسایل ورزشی می توان از آن ها بهره جست و بهره گیری نکردن از این بخش به علت حضور افراد غیرمتخصص در تربیت بدنی است. اگر کسی پیدا شود که این کار را کند، اتهام او وارد می کنند. انسان نباید مسؤلیتی را که از عهده آن بر نمی آید، بپذیرد و اگر پذیرفت باید آن را به سرانجام برساند.

به شاگردانم گفته ام: ما شیشه ایم و باک نداریم ز شکست، گر شیشه بیشتر شکنند تیز تر شود؛ به دانش آموزان باید انگیزه داد. زمین ورزش همه چیز دانش آموزان است و اگر یک دانش آموز آموخت که از زمین ورزشی خود خوب مراقبت کند از آب و خاک خود نیز به خوبی مراقبت خواهد کرد. تربیت بدنی خوب زیستن همراه با کردار و عمل معقولانه است. متأسفانه برخی به نام تربیت بدنی وارد قضایا می شوند ولی در عمل عکس آن را عمل

درس فراهم آورد. ولی در حال حاضر تعدد رشته های مختلف ورزشی، مانند آفت از پیشرفت اهداف این درس ممانعت به عمل می آورد.

لازم است اشاره کنم نحوه تدریس تربیت بدنی در گذشته بهتر انجام می شد. اما اکنون با گسترده شدن آن و نبود نظارت آن را به ورطه سقوط کشانده است که معضل اساسی است و لازم است فکری برای آن شود. »

وی در ادامه گفت: «به ورزش مدارس باید به صورت پایه ای پرداخت و توجه دست اندرکاران امر باید به مقطع ابتدایی متمرکز شود. چنانچه برنامه ها به همین منوال پیش رود هیچ امیدی به آینده نیست و لزوم تجدیدنظر اساسی در انتخاب مدیران، معلمان، محتوای علمی و عملی درس تربیت بدنی انکارناپذیر است. به طور مثال، تربیت بدنی آموزشگاه ها اخیراً وسیله چند منظوره ای را تهیه و به کلیه استان های کشور ارسال کرده اند که بسیار غیر کارشناسانه طراحی شده است و هیچ گونه کارایی و سازندگی در آن مشاهده نمی شود و هزینه هنگفتی صرف آن شده که غیر ضروری نیز بوده است. »

پایگذار اضافه کرد: «در کشورهای پیشرفته همه بخش ها از جمله اقتصاد، دانشگاه، تکنولوژی و ... در اختیار ورزش است ولی در اینجا برعکس است همه از ورزش کمک می خواهند و هیچ کمکی برای رفع معضلات آن نمی کنند. »

می کنند. از وی می پرسیم اگر دوباره به دوران قبل بازگردی باز هم معلم ورزشی را انتخاب خواهی کرد؟ می گوید: «من تربیت بدنی را به خاطر مقام، شهرت و مال انتخاب نکردم؛ مسؤلیت های زیادی هم به من پیشنهاد کردند که گفتم من معلم خوبی هستم؛ نه مسؤول خوب. اگر یک بار دیگر به آن دوران برگردم، باز هم معلم ورزش خواهم شد.»

از پایگذار در خصوص تأثیر کتاب تربیت بدنی، برای تدریس پرسیدم، که در حال حاضر برای این رشته کتابی نیست، وی چنین پاسخ داد: اگر هم چنین کتابی تألیف شود چه کسی می خواهد آن را تدریس کند؟ مدرس اگر متخصص نباشد نتیجه منفی خواهد بود و تنها کاری که می تواند انجام بدهد این است که از روی آن دیکته بگوید. به اعتقاد من معلم باید فراتر از کتاب باشد و با کتاب محوری مخالفم. معلم ورزش باید به حدی تبحر داشته باشد که بدون کتاب بتواند به نحو احسن برنامه ها و اهداف تربیت بدنی را تدریس کند. از وی می پرسیم پس چگونه می توانیم در سطح کشور این درس را یکنواخت تدریس کنیم، می گوید: آموزش و پرورش باید دبیرستان های تربیت بدنی را به شکل مطلوب بنیان نهد که پشتوانه آینده این درس است. البته با شکل کنونی این دبیرستان ها مخالفم زیرا تنبل ترین شاگردان را در این کلاس ها جمع می کنند که فقط هزینه اضافی بر دوش آموزش و پرورش است و هیچ گونه بازدهی مفیدی در بر نخواهند داشت.

در حال حاضر برگزاری المپیادها فراگیر شده است، کسی که توپ را نمی شناسد و در المپیاد شرکت می کند، با نام المپیاد که نمی شود المپیاد برگزار کرد. هرکاری باید اصولی و ریشه ای باشد و برای آن تعریف خاصی داشته باشیم. سازمان ورزش کشور باید متشکل از افراد تحصیل کرده این رشته از پایین ترین مقام تا رییس آن باشد.

به هر حال دو نوع کتاب یکی برای دانش آموز و یکی برای معلم باید تدوین شود. معلم ورزش باید با اهداف، فلسفه، روش تدریس، اصول تمرین و محتوای درس تربیت بدنی آشنا باشد. همچنین کارهایی را که دانش آموزان باید انجام دهند لازم است هماهنگ شود. ضمن این که این کتاب نباید بیش از پنج نمره داشته باشد و پانزده نمره باید برای مشارکت و ... اختصاص یابد. در این صورت محتوا در اختیار معلم است و مفید خواهد بود. نظارت و ارزش یابی از شیوه های تدریس، مشکلات را بررسی و برطرف خواهد کرد. مثل کتاب های درسی که هر سال مطالب علمی تر در آن درج می شود.

«کسی که با لباس ورزشی در کلاس تربیت بدنی حاضر می شود باید بر علم مسلط باشد. اگر غیر متخصصی در کلاس تربیت بدنی حضور یابد پس باید معلم ورزش نیز ریاضی و فیزیک تدریس کند. حال اگر آن اطلاعات لازم را نداشته باشد چه بسا که فاجعه ای عظیم در نظام آموزشی بروز خواهد کرد.»

نظر آقای پایگذار را در خصوص مجله رشد آموزش تربیت

بدنی جویا شدیم که چنین پاسخ شنیدیم: یک مجله موفق در مرحله اول باید نیازهای جامعه را در نظر بگیرد. باید واقعیت ورزش در قدیم، حال و برنامه های آینده به شکلی مطلوب بررسی و جایگاه آن مشخص شود. عوامل مؤثر در رسیدن به این مطلوب چیست؟ نوع حرکت چگونه است؟ همچنین نیاز به زمان بندی های اصولی برای تحقق اهداف تعیین شده را در نظر بگیریم.

این مجله صرفاً باید برای رفع نیاز معلمان ورزش باشد و به شرح وظایف معلم ورزش بپردازد؛ همچنین به مدیران آگاهی داده شود تا به شرح وظایف مربوطه نظارت و همکاری لازم را داشته باشد.

بیشتر دانش آموزان از فقر حرکتی رنج می برند (پارانتزی، ضربدری و ...) لذا لازم است در صفحه ای خاص، ارگانیک بدن

و کارآیی

اعضای مختلف

را به آنان آموزش

داد که می تواند

شامل

فیزیولوژی،

آناتومی و ...

باشد. ضمن

این که باید

مطالب علمی،

گزارش از

مراسم های

ورزشی،

تحلیل، آموزش

قوانین

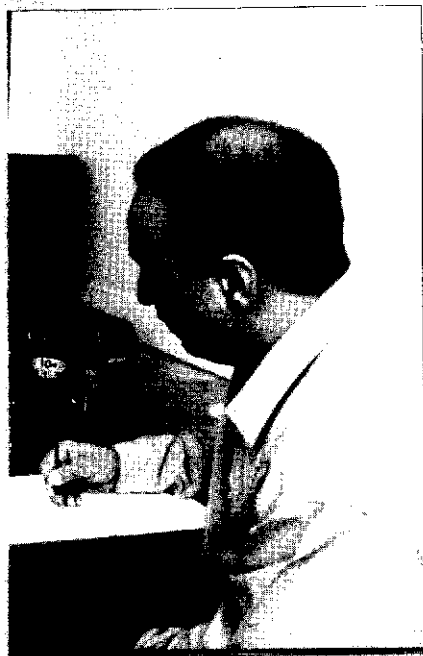
رشته های

مختلف و

آگاهی دادن

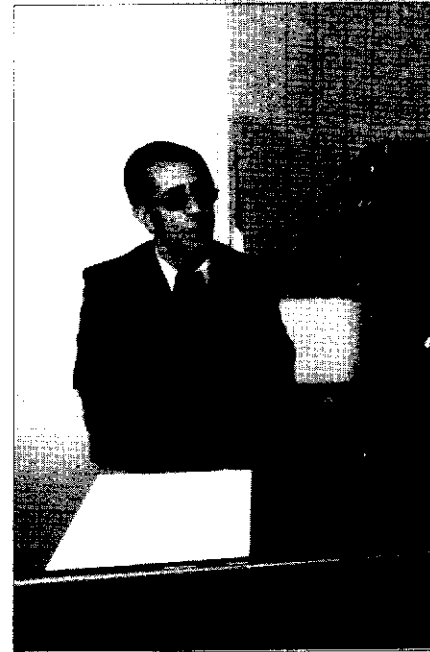
معلمان ورزش از علم روز را در نظر بگیریم. البته به نظر من این وظیفه اصلی اداره کل تربیت بدنی است و مجله های موجود در حال حاضر به هیچ وجه پاسخگوی نیاز معلمان ورزش نیست و مطالب آن بیشتر قدیمی و غیر مفید است، به هر حال نحوه انتخاب مطالب برای مجله باید بسیار دقیق و از روی برنامه باشد.

از وی می خواهیم که از گذشته برامان بیشتر بگوید. چند لحظه به نقطه ای خیره می ماند و سپس ادامه می دهد: در قدیم کار تحصیل کرده های تربیت بدنی بسیار سخت بود و مشکلات بسیاری داشتند. خیلی از مدیران معتقد بودند که معلم ورزش، نیاز به تحصیلات عالی ندارد! توپ را مستخدم بین دانش آموزان پخش می کند و بعد هم جمع می کند، این که دیگر تخصص نمی خواهد. در سال ۱۳۴۱ که فارغ التحصیل این رشته شدم چنین دیدگاهی به ورزش و تحصیل کرده های این رشته وجود داشت



ولی ما هرگز ناامید نشدیم، چون به کار و حرفه خود اعتقاد داشتیم و برخلاف موانع موجود (حتی کتک هم خوردیم) موفق شدیم در بسیاری از موارد به خوبی از مواضع تربیت بدنی دفاع کنیم و آن را نزد مسؤولان جا بیندازیم. آن زمان تربیت بدنی آموزش و پرورش و سازمان تربیت بدنی یکی بود و مسؤولی را وزیر آموزش و پرورش تعیین می کرد که هر دو قسمت را اداره می کرد. اما سال ها بعد این دو از هم تفکیک شد. در واقع این جسم را به دو قسمت تقسیم کردند؛ به اعتقاد من این دو چون گذشته، باید باز هم یکی شود، باید از هم اکنون در اندیشه وزارت و ورزش و تربیت بدنی نیز باشیم. در حال حاضر موانع فراوانی در راه اعتلاء ورزش خصوصاً ورزش دانش آموزی وجود دارد که این موانع خوب است به زودی برداشته شود و جامعه عظیم ورزشی کشور بیش از این ضرر نبیند.

حرکت، لازمه پیشرفت و زندگی است و عوامل بسیاری چرخ حرکت تربیت بدنی را روزبه روز کندتر و کندتر می کند. پایگذار در پاسخ به این سؤال که از افتخارات ورزشی و خاطرات خود بر ایسمان صحبت کن؛ با تبسمی پُر معنی پاسخ می دهد: تمام زندگی معلم ورزش آکنده از خاطرات خوش و



گاهی ناخوش است. به یاد دارم در سال ۱۳۷۳ هنگام برگزاری مسابقات قهرمانی آموزشگاه ها در رشته ژیمناستیک تیم های استان آذربایجان شرقی در پنج گروه سنی مقام اول را کسب کردند و سه مرتبه جام قهرمانی به ورزشکاران تبریزی تعلق گرفت؛ در حالی که شور و شوق و صفت ناپذیری در محل برگزاری مراسم برپا بود، من در گوشه ای از سالن از فرط شادی گریه می کردم. در آن زمان حتی یک نفر برای گفتن تبریک نزد من نیامد! ولی در وجود خویش بسیار خوشحال بودم زیرا وظیفه معلمی خود را انجام داده بودم و نتیجه آن نیز رضایت بخش بود که برای شخص من خیلی ارزشمند بود.

چند سال پیش هم که در دفتر مدرسه مشغول خوردن تکه نانی بودم، متوجه شدم که یکی از دانش آموزان به من خیره شده است بی درنگ به سوی او رفتم و علت را جویا شدم، گفت: «شب قبل

شام نخوردم و برای صبحانه نیز چیزی نتوانستم تهیه کنم.» فوری نان و پنیر مختصری با چای آماده کردم که خورد، بعد از آن از دانش آموزان شنیدم که او تنها و در یک اتاق بسیار محقر در پشت بام یک مسجد زندگی می کند.

چند سالی از این موضوع گذشت و من تقریباً آن را فراموش کرده بودم. یک روز همین دانش آموز در مدرسه به من مراجعه کرد و مقدار زیادی پول را روی میز گذاشت و گفت: من حالا وضع مالی خوبی دارم و خیلی خوب زندگی می کنم و آن را مدیون شما هستم، زیرا شما به من درس زندگی دادید. او در حال حاضر یکی از بهترین چشم پزشکان تبریز است. چنین چیزی برای من بهترین و والاترین پاداش هاست. مصداق شعر «تو نیکی می کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز» من فقط وظیفه معلمی خود را انجام داده ام و الحمدلله خدا هم همیشه یار و یاورم بوده است و خانواده و فرزندان صالحی دارم که همه این ها را موهبتی الهی و پاداش خود می دانم.

به وی می گویم از عناوین ورزشی خود بگویید، وی می گوید: «من به دلیل نبود مربی در رشته ژیمناستیک خیلی زود به جرگه مربیان پیوستم و عناوین ورزشی من بازمی گردد به سال های دور که عبارتند از:

- نفر اول مسابقات ژیمناستیک دانشگاه های کشور در سال های ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱
- مقام سوم قسمت پارالل در مسابقات قهرمانی کشور در سال ۱۳۴۱

لازم است توضیح بدهم این عناوین بدون امکانات اولیه در این رشته تحقق یافت. حتی تمرین های ماروی شن و بدون حضور مربی کارآمد بود.

- آخرین سؤال از ناصر پایگذار پیر و پیشکسوت ورزش استان آذربایجان شرقی چنین بود: هر توصیه ای که می تواند رهگشای کار معلمان تربیت بدنی شود، بیان کنید وی در کمال متانت و خوشرویی چنین اظهار کرد: اگر در جامعه ای مشکلات وجود نداشت و همه چیز سر جای خود باشد، پس دیگر ما چه کاره ایم. وظیفه ما مبارزه با مشکلات است و در کار خیر اگر غیر از این عمل کنیم از وظیفه خود دور شده ایم. تربیت بدنی دانشگاه بزرگ انسان سازی است و به تمام معلمان و ورزش سفارش می کنم با عزم راسخ و اعتقاد قلبی به کار خود ادامه دهند و هیچ باکی از مشکلات نداشته باشند در این صورت مشکلات حقیر و کوچک خواهند شد.

با توجه به هجوم های فرهنگی که به ایران اسلامی می شود و دانش آموزان در معرض خطر جدی این حمله ها از جمله اعتیاد، فساد اخلاقی و ... قرار دارند، معلمان ورزش با استفاده از شیوه های تربیتی مناسب می توانند در جذب و هدایت آنان نقش بسیار بزرگ و سازنده ای را ایفا کنند و به قول معروف این قایق را به ساحل نجات رهنمون سازند. ان شاء الله.

کسی که بالباس ورزشی در کلاس تربیت بدنی حاضر می شود باید بر علم مسلط باشد. اگر غیر متخصصی در کلاس تربیت بدنی حضور یابد پس باید معلم ورزش نیز ریاضی و فیزیک تدریس کند.